

اسراء، ولادت، شائخا

و مسو و لیسٹا

اللہ
علیہم

حضرت صدیقہ مطہرہ

با صداقتان

سایت رسمی جناب آقای غلامرضا صادقی فرد

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدٌ فَالْفَهْرَاءُ وبلاگ

« اعلام برنامه مناسبت های مذهبی
« انتشار محتوای ارائه شده در مناسبت های مختلف
« نگاهی دقیق و تازه به تاریخ اسلام
« بررسی اعتقادات شیعه و شبهات وارد شده

پرسش و پاسخ 

فروشگاه 

وبلاگ 

پخش زنده 



برای دریافت فایل‌های صوت،
متن و پاورپوینت مربوط به
مباحث مطرح شده در این شبها
می‌توانید به پایگاه اینترنتی

www.sadeqifard.com

مراجعه کنید.



شب هفتم محرم ۱۴۴۱

نگاهی به آیه ای از آیات کبرای خداوند در تمام آفرینش

كَلَّا وَالْقَمَرَ * وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ * وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ *

إِنهَا لِأَحَدَى * نَذِيرًا لِلْبَشَرِ * لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ

يَتَّقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ .

سوره مدثر / 32 تا 37.



السلام عليك يا أبا عبد الله
وعلى الأرواح التي حلت بفنائك
السلام على الحسين
وعلى علي بن الحسين
وعلى أولاد الحسين
وعلى أصحاب الحسين

قال رسول الله ﷺ

ان لقتل الحسين (ع) المؤمنيين
حرارة في قلوبهم
لا تبرأ أبداً

كَذَّبَ الْمَوْتُ فَالْحُسَيْنُ مُحَمَّدٌ

كَلَّمَا أَخْلَقَ الزَّمَانُ تَجَدَّدَ

إِنَّ سَيْفَ الْحُسَيْنِ حَيًّا وَمَيِّتًا

يَحْسِمُ الْكُفْرَ مُغَمَّدًا وَمُجَرَّدَ



بس کن رباب نیمه ای از شب گذشته است
دیگر بخواب نیمه ای از شب گذشته است

کم خیره شوبه نیزه، علی را نشان نده

گهواره نیست دست خودت را تکان نده

با دست های بسته مزین چنگ بر رخت

با ناخن شکسته مزین چنگ بر رخت

بس کن رباب حرمه بیدار می شود

سهمت دوباره خنده انظار می شود

ترسم که نيزه دار کمی جا بجا شود

از روی نيزه راس عزيزت رها شود

يك شب ندیده ایم که بی غم نیامده

دیدي هنوز زخم گلو هم نیامده

گرچه امید چشم ترت نا امید شد

بس کن رباب يك شبه مویت سپید شد

پیراهنی که تازه خریدی نشان مده

گهواره نیست دست خودت را تکان مده

بس کن رباب زخم گلورا نشان مده
قنداقه نیست دست خودت را تکان مده
دیگر زیادت این غم سنگین نمی رود
آب خوش از گلوی تو پائین نمی رود
بس کن ز گریه حال تو بهتر نمی شود
این گریه ها برای تو اصغر نمی شود
حسن لطفی

زیارت حضرت سید الشهداء علیؑ در روزِ اربعین:

«السَّلَامُ عَلَى وَليِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ. السَّلَامُ عَلَى خَليلِ
اللَّهِ وَنَجِيبِهِ. السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ. السَّلَامُ
عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ. السَّلَامُ عَلَى أُسِيرِ
الْكُرْبَاتِ وَقَتِيلِ الْعَبْرَاتِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ
وَلِيِّكَ وَصَفِيُّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ. أَكْرَمْتَهُ
بِالشَّهَادَةِ وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ.

زيارت حضرت سيّد الشهداء عليّ عليه السلام در روزِ اربعين:

وَاجْتَبَيْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ، وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ، وَقَائِدًا
مِنَ الْقَادَةِ، وَذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ، وَأَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ،
وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ. فَأَعْذِرْ فِي الدُّعَاءِ
وَمَنْحِ النَّصِيحِ، وَبَدَلْ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ
الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ، وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا،

زیارت حضرت سید الشهداء علیہ السلام در روزِ اربعین:

وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَدْنَى، وَشَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَيْسِ،
وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ، وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ نَبِيَّكَ،
وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالنِّفَاقِ وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ
الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارِ. فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى
سُفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَأَسْتَبِيحَ حَرِيمُهُ. اللَّهُمَّ فَالْعَنَهُمْ
لَعْنًا وَبِيلاً وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا.

نگاهی به آیه ای از آیات کبرای خداوند در تمام آفرینش

كَلَّا وَالْقَمَرَ * وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ * وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ *

إِنهَا لِأَحَدَى * نَذِيرًا لِلْبَشَرِ * لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ

يَتَّقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ .

سوره مدثر / 32 تا 37.

قسم «به الليل» در آیات اسرائی «سوره مدثر»

﴿وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا
فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا... وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ
إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ * كَلَّا وَالْقَمَرِ * وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ * وَالصُّبْحِ إِذَا
أَسْفَرَ * إِنَّهَا لَإِحْدَى الْكُبَرِ * نَذِيرًا لِلْبَشَرِ * لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ
أَنْ يَتَّقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ﴾

سوره مدثر/۳۱.

قسمهایی برای بزرگی یک حقیقت

در آیه: ﴿إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبْرَى﴾، با ضمیر مؤنث «ها» به یک حقیقت اشاره شده که حقیقتی بسیار بزرگ است. خدا برای بزرگی مرجع این ضمیر، قسمها یاد کرده است.

تأثیر این حقیقت در هدایت و ضلالت مخاطبان

از ادامه همین آیه - یعنی از آیات: ﴿نَذِيرًا لِلْبَشَرِ * لِمَنْ

شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَّقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ﴾ - به خوبی می توان

دانست که این حقیقت، با این عظمت و با این

حد از مسؤولیت، در هدایت و ضلالت مخاطبان

آیات کتاب خدا، تأثیری به سزا دارد.

تمام عالميان مخاطب آيات كتاب خدا

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * تَبَارَكَ

الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ

لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾

سوره فرقان / ۱.

هدایت و ضلالت تمام عالمیان، وابسته به این حقیقت

حقیقتی که با ضمیر «ها» در آیه: ﴿إِنَّهَا لِإِحْدَى الْكُبَرِ﴾
مورد اشاره قرار گرفته، حقیقتی است که شناخت او و
عظمت او با هدایت و ضلالت تمام عالمیان در ارتباط
است نه تنها با هدایت و ضلالت تمام ساکنان زمین و نه
تنها با هدایت و ضلالت تمام انسانها.

پیدا کردنِ مرجع ضمیر «ها» در این آیات

شناخت مرجع ضمیر «ها» در این آیات، ضمن آن
که می‌تواند بسیار سهل باشد، بسیار مشکل است و
این، به دلیل عدم وجود مرجعی مناسب برای این
ضمیر، در ظاهر آیات قبل از این آیه است.

از تفسیر تاج العوار (۱۵)

مرور کے برواژہ نامی لیسٹیل ولیدت

سلام اللہ ابدًا ما

لیل و لیلہ

«لیل» مذکر و «لیلۃ» مؤنث است. حال اگر چنانچه این دو واژه به یک حقیقت اشاره داشته باشند، باید پذیرفت که لفظ «لیلۃ» مؤنث است و نه حقیقت آن. بر این مبنا، اگر با ضمیر مذکر به وجودی با این مشخصات اشاره شود، به حقیقت آن اشاره شده و اگر چنانچه با ضمیر مؤنث به آن اشاره شود، باید پذیرفت که ظاهر لفظ آن مورد رعایت قرار گرفته است.

دو آیه از آیات خدای حکیم

﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ

اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا

مِنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ

وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَا تَفْصِيلًا ﴿

سوره اسراء/ ۱۲.

از تفسیر تاج العروس (۱۵)

مرورے برکار بردہ سے واژہ آیہ

سلام اللہ ابدًا ما

آیة خدا، آیة الله

﴿وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيُّ آيَاتِ اللَّهِ

تُنْكِرُونَ﴾

سوره غافر/ ۸۱.

آیاتی برای بعضی از اهل زمین

﴿قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ إِلَّا

تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا﴾

سورهٔ مریم / ۱۰.

آیه‌ای برای تمام مردمان نه برای بعضی از آنان

﴿قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ

بَغِيًّا * قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ

آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا﴾

سوره مریم / ۲۰ و ۲۱.

آیاتی برای تمام عالمیان

﴿وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ

رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ﴾

سوره انبياء / ۹۱.

آیه بودن بعضی از اشیاء برای تمام عالمیان

﴿فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ

وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ﴾

سوره عنكبوت / ۱۵.

بزرگتر بودن برخی از «آیات خداوند» برخی دیگر

﴿وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ

أُخْتِهَا وَأَخَذْنَا لَهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ

سوره زخرف / ۴۸.

يَرْجِعُونَ﴾.

به کار رفتنِ صفت مؤنث برای آیه

﴿فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ * فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ﴾

سوره نازعات / ۲۰ و ۲۱.

آية الله الكبرى

«اکبر» و «کبری»، یا «صفت تفضیلی» و یا «صفت عالی» هستند و به «آیه» ای از «آیات خداوند» که از «آیه» ای دیگر و یا از تمام آیات دیگر خدا، بزرگتر باشد، «آیه الله الكبرى» گفته می شود.

«آیه» برای مذکر و مؤنث به یک صورت به کار می‌رود:

- کاربرد برای مذکر: ﴿فَالْيَوْمَ نُنَجِّكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَ آيَةً
وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ﴾
سوره یونس / ۹۲.
- کاربرد برای مؤنث: ﴿وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي
أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ﴾
سوره هود / ۶۴.
- کاربرد برای مذکر و مؤنث: ﴿وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى
رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ﴾
سوره مؤمنون / ۵۰.

کاربرد آیه برای مفرد و تثنیه و جمع آیه

- «آیه» برای یک «آیه» به کار رفته است: ﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لِّيُؤْمِنُوا بِهَا...﴾ سورة انعام / ۱۰۹.
- «آیه» برای دو آیه به کار رفته است: ﴿وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ﴾. این در حالی است که برای «لیل» و «نهار» که دو آیه هستند، تعبیر تثنیه «آیتین» به کار رفته است: ﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ...﴾.

کاربرد آیه برای مفرد و تثنیه و جمع آیه

● «آیه» برای چند آیه استعمال شده است: ﴿وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا

كَذَّبُوا الرَّسُولَ أَغْرَقْنَاَهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا

لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا﴾. سورة فرقان / ۳۷.

● برای چند «آیه» از تعبیر «آیات» نیز استفاده شده است:

﴿وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ﴾. سورة غافر / ۸۱.

کاربرد آیه برای مفرد و تثنیه و جمع آیه

● برای چند «آیه» از تعبیر «آیات»

نیز استفاده شده است: ﴿وَيُرِيكُمْ

آيَاتِهِ فَأَيُّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ﴾.

سوره غافر/ ۸۱.

ارجاع به آیه نیز از چنین حکمی برخوردار است:

• ارجاع و اشاره به «آیه» با ضمیر مذکر: ﴿وَإِذَا رَأَوْا آيَةً﴾

يَسْتَسْخِرُونَ * وَقَالُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿سوره

صافات/ ۱۴ و ۱۵.

• ارجاع و اشاره به «آیه» با ضمیر مؤنث: ﴿... وَإِنْ يَرَوْا﴾

كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا... ﴿سوره انعام/ ۲۵.

کسب نتیجه‌ای از این مرور

از استعمال لفظ آیه برای موضوعات مختلف
نمی‌توان با ضرس قاطع به مذکر و مؤنث و مفرد و
جمع و تثنیه بودن موضوع آنها حکم کرد. از ارجاع
ضمیرها و اشاره‌ها نیز نمی‌توان از مؤنث و مذکر بودن
موضوع آنها اطمینان حاصل کرد.

از تفسیر تائفا ماخوذاً (۱۵)

کاربرد واژه کبریا به جای آیہ کبری

سلام اللہ ابدًا

ارائه تمام آیات کبرای خدا در تمام آفرینش

﴿ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى * فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى * فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ
عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ * مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ * أَفَتُمَارُونَهُ
عَلَىٰ مَا يَرَىٰ * وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ * ... * مَا زَاغَ الْبَصَرُ
وَمَا طَغَىٰ * لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ﴾

سوره نجم ۱ تا ۱۸.

رتبه این آیات

بر مبنای این آیات، برای دیدن این آیات
کبری پیامبر رحمت باید با «اسراء» تا «المسجد
الأقصى» برود و از آن جا نیز باید تا رتبه «قاب
قوسین أو ادنی» نزدیک شود.

برای دیدن آیات کبری، حضرت موسی به اسرا نرفت

﴿وَأَضْمَمُ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ

غَيْرِ سُوءٍ آيَةٍ أُخْرَى * لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا

الْكُبْرَى * أَذْهَبُ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى﴾

سوره طه، ۲۲ تا ۲۴.

مقایسه‌ای بین این آیات

«مِنْ» در ﴿لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى﴾ - همانند «مِنْ»

در ﴿لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا﴾ - «مِنْ تَبْعِيضِيَه» است و برای این

اساس باید پذیرفت که حضرت موسی و پیامبر

رحمت، هر دو، بعضی از آیات خداوند را دیده‌اند.

تعبیر «آیاتنا الکبری» برای آیات کبری

سابقه: ﴿وَأَضْمُمُ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ

غَيْرِ سُوءِ آيَةٍ أُخْرَى﴾ برای ﴿لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا

الْكُبْرَى﴾ به خوبی نشان می دهد که در عبارت:

﴿لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى﴾ حتماً «الْكُبْرَى» برای

«آیاتنا» صفت است.

تعبیر «الکبری» برای «آیات کبری»

در عبارت: ﴿لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى﴾،
«الْكُبْرَى» مفعولِ «رَأَى» است و نه صفت برای
«آيَاتِ رَبِّهِ» و برای این مبنا، پیامبر رحمت، از میان
«آيات ربش»، «الکبری» و یعنی «تمام آيات کبرای
خداوند» را دیده است.

دو نتیجه بسیار مهم از این بررسی کوتاه به دست می‌آید:

- پیامبر رحمت از میان تمام آیات خدا، هر آیه‌ای که با عنوان «آیه الله الکبری» وجود داشته باشد، دیده است.
- «الکبری» به تنهایی برای تعبیر از تمام آیات کبرای خدا به کار می‌رود.

از تفسیرها ما خود را (۱۵)

یکی از آیات کبریا می خوانند

سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا مَا

یکی از آن کبراهاست

كَلَّا وَالْقَمَرَ * وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ * وَالصُّبْحِ
إِذَا اسْفَرَ * إِنَّهَا لَأَحَدَى الْكُبَرِ .

سوره مدثر، ۳۲ تا ۳۵.

قسم که او یکی از آیات کبرای خداوند است

«الْكُبْرَى» در این آیات، صفت است؛ صفتی که موصوف

آن مانند «الْكُبْرَى» در آیه: ﴿لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ

الْكُبْرَى﴾، محذوف است. موصوف این صفت همانند

موصوف «الْكُبْرَى» در این آیه، «آیات» است.

«کبری» هم برای مفرد و هم برای جمع

● برای آیه به صورت صفت: ﴿أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ

إِنَّهُ طَغَى * فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى * وَأَهْدِيكَ

إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى * فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى * فَكَذَّبَ

وَعَصَى ﴿سوره نازعات، ۱۷ تا ۲۱.

«کبری» هم برای مفرد و هم برای جمع

- برای آیات به صورت صفت: ﴿وَأَضْمَمَ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَى * لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى * أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى﴾. سوره طه، ۲۲ تا ۲۴.
- به صورت صفتی بدون موصوف اما موصوف آن در واقع، «آیات» است: ﴿وَلَقَدْ رَأَاهُ نَزْلَةً أُخْرَى * ... * لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى﴾. سوره نجم، ۱۳ تا ۱۸.

«الكبرى» برای سه مورد دیگر

• صفت برای «بطشة». این کاربرد به قیامت ارتباط دارد: ﴿يَوْمَ نَبِّطِشُ
الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنْتَقِمُونَ﴾ سورة دخان/۱۶.

• صفت برای «طامة». این کاربرد نیز به قیامت ارتباط دارد: ﴿فَإِذَا جَاءَتِ
الطَّامَةُ الْكُبْرَىٰ * يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ * وَبُرْزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَىٰ *﴾
سورة نازعات/ ۳۴ تا ۳۶.

• صفت برای «نار». این کاربرد هم به قیامت ارتباط دارد: ﴿وَيَتَجَنَّبُهَا
الْأَشْقَىٰ * الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَىٰ * ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ﴾. سورة اعلیٰ/ ۱۱
تا ۱۳.

این سه کاربرد نمی‌تواند، مشارّ الیه «الکبر» باشد

این سه کاربرد، هر سه به قیامت و آتش قیامت ارتباط دارد و در حکم یک کاربرد است. صد البته این «کبری» با چیز دیگری از جنس خودش و یا غیر جنس خودش، قابلیت جمع بسته شدن و به کار رفتن به عنوان جمع را ندارد تا در نهایت، نارکبرای خداوند یکی از «کبری» باشد که در آیه: ﴿إِنَّهَا لِأَحَدٍ الْكُبْرِ﴾ مورد ذکر قرار گرفته است.

این خود، به آن مفهوم است که:

از میان تمام استعمال‌های قرآنی، «کُبْر»
می‌تواند برای «آیات کبرای خداوند»
به کار رفته باشد.

هر موصوفی برای «الکبر»، آیه‌ای از آیات است

﴿وَكَايِنٍ مِّنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ

عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ * وَمَا يُؤْمِنُ

أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾

سوره یوسف / ۱۰۵ و ۱۰۶.

یعنی ...

مرجع ضمیر «ها» در ﴿إِنَّهَا لِأَحَدِي﴾

الْكُبْرَى حتماً یکی از «آیات کبرای

خداوند» است.

از تفسیر تائفا خوارا (۱۵)

باز شناسی

این آیه کبریا کے خداوند

گامی در راه بازشناسی این آیه از «آیات کبرای خداوند»

﴿كَلَّا وَالْقَمَرَ * وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ * وَالصُّبْحِ إِذَا

أَسْفَرَ * إِنَّهَا لِإِحْدَى الْكُبَرِ * نَذِيرًا لِلْبَشَرِ *

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ ﴿

سوره مدثر، ۳۲ تا ۳۷.

کاربرد نذیر مذکر برای یکی از سه واژه مؤنث

اولین توصیف این آیات برای این «آیه کبرای
خداوند»، «نذیر» بودن است که به صورت «حال»
در آیه بعدی آمده است. این حال در نگاه اول
می‌تواند حالی برای ضمیر مؤنث «ها» و یا برای واژه
مؤنث «إحدى» و یا برای صفت مؤنث «کُبر» باشد.

تنها واژه‌ای که این قابلیت را دارد

از میان سه واژه یاد شده، تنها واژه‌ای که
می‌تواند هم برای مذکر به کار رود و هم برای
مؤنث و نقصی هم از این جهت متوجه جمله
نباشد، واژه «کُبر» است.

تعبیر مذکرِ «اکبر» برای آیه که لفظش مؤنث است

﴿وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ

أُخْتِهَا وَأَخَذْنَا لَهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ

يَرْجِعُونَ﴾ .
سوره زخرف / ۴۸.

به کار رفتنِ کبری برای آیه

﴿فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى * فَكَذَّبَ وَعَصَى﴾

سوره نازعات / ۲۰ و ۲۱.

نتیجه: نذیر برای «الکُبْر» حال است. یعنی...

تمام آیات کبرای خداوند_ که یکی

از آنها موضوع بحث این آیات است_

برای تمام بشر، «نذیر» هستند.

مخاطبان خاص این آیات، تنها بهره برندگان

در آیه بعد از آیه: ﴿نَذِيرًا لِلْبَشَرِ﴾ اعلام شده

است که از اندازهای این نذیر، تنها گروه

خاصی از بندگان، بهره می‌برند: ﴿لِمَنْ شَاءَ

مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ﴾.

برای هر حرکتی

«آیات کبرای خداوند» _ که همگی برای
تمام بشرویا برای تمام مؤمنان «نذیر»
هستند _ برای تمام زندگانی یک فرد،
برنامه انذار و نذارتی دارند.

حال و با این اوصاف

برای بازشناسی این آیه کبرای خداوند،
کافی است مشخص شود که مرجع ضمیر

«ها» در ﴿إِنَّهَا لِأَحَدِي الْكُبْرِي﴾ چیست و یا

کیست؟

نزدیکترین مرجع برای این ضمیر

﴿وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ
إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا... وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا
هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ * كَلَّا وَالْقَمَرِ * وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ * وَالصُّبْحِ
إِذَا اسْفَرَ * إِنَّهَا لَإِحْدَى الْكُبَرِ﴾

سوره مدثر، ۳۱ تا ۳۵.

مرجع ضمیر هی، ذکری است نه نذیر

مرجع ضمیر «هی» در عبارت: ﴿وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرِي لِلْبَشَرِ﴾ خواه «نار» باشد، خواه ملائکه و خواه تعداد ملائکه ـ هر چه باشد ـ خدا آن را به عنوان «ذکری» برای بشر معرفی کرده است و ﴿ذِكْرِي لِلْبَشَرِ﴾ همان ﴿نَذِيرًا لِلْبَشَرِ﴾ نیست.

همه ذکری هستند نه نذیر

غیر از این مرجع، هیچ مرجع مؤنث دیگری برای این ضمیر تا آغاز سوره به جز «سقر» وجود ندارد: ﴿سَأُصَلِّيهِ سَقَرَ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ

* لَا تُبْقَى وَلَا تَذَرُ * لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ﴾. این مرجع و هر مرجع ضمیر

دیگری قبل از ﴿وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ﴾ صلاحیت آن را داشته

باشد که ضمیر مؤنثی به آن ارجاع داده شود، مرجع ضمیر «هی»

در این آیه خواهد بود.

از سویی دیگر، سقر لوحه است نه نذیر

خدا با صراحت هر چه تمامتر در این

آیات، «سقر» را ﴿لَوْاحَةٌ لِلْبَشَرِ﴾ خوانده

است و ﴿لَوْاحَةٌ لِلْبَشَرِ﴾ نیز همان ﴿نَذِيرًا

لِلْبَشَرِ﴾ نیست.

باید چند موضوع دیگر را نیز پذیرفت، اگر...

اگر ارجاع ضمیر «ها» در ﴿إِنَّهَا لِأَحَدِي الْأَكْبَرِ﴾، به این مرجع، صحیح باشد، باید اولاً پذیرفت که **جهنم** «آیه کبرای خداوند» است و ثانیاً قبول کرد که **جهنم برای تمام بشر «نذیر» است.**

اگر جهنم نذیر بود...

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ * إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ * تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ * قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ﴾

سوره ملک، ۶ تا ۹.

جهنم بشیر نیست حتی اگر نذیر باشد

در بسیاری از کاربردهای قرآنی، برای «نذیر»،

تعبیر «بشیر» نیز به کار رفته حال آن که

«آتش دوزخ»، «بشیر نیست؛ حتی اگر پذیرفته

شود که «نذیر» است!

برای دوزخ نذیر وجود دارد، یعنی...

﴿فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى﴾

سوره لیل / ۱۴.

کاربرد نذیر، فقط برای انسانها

در کتاب خدا، واژه «نذیر» فقط برای

افرادی به کار رفته است که از

جنس بشر هستند و رسالت یافته‌اند.

در این آیات نیز نذیر برای قرآن به کار نرفته است

﴿كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ * بَشِيرًا وَنَذِيرًا
فَاعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهَمًّا لَا يَسْمَعُونَ * وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِمَّا
تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّنَا
عَامِلُونَ * قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ...﴾

سوره فصلت ۳ تا ۶.

بشیر و نذیر در این آیات نیز برای قرآن به کار نرفته است

«بشیر» و «نذیر» در این آیات نیز برای فردی به کار رفته که مردم از او روی می گردانند و سخنان او را نمی شنوند و برای فردی استعمال شده که مردم را دعوت می کند و آنان دعوتش را نادیده می گیرند و برای فردی به کار رفته است که می گوید: ﴿إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ﴾.

... تا پیامبر نذیر باشد نه فرقان

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * تَبَارَكَ

الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ

لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾.

سوره فرقان / ۱.

حال و تمییز برای اول سوره!

«... وَ (نَذِيرًا) تَمَيِّزُ مِنْ إِحْدَى، عَلَى مَعْنَى: إِنَّهَا
لِإِحْدَى الدَّوَاهِي إِنْذَارًا، كَمَا تَقُولُ: هِيَ إِحْدَى النِّسَاءِ
عِفَافًا. وَقِيلَ: هِيَ حَالٌ. وَقِيلَ: هُوَ مُتَّصِلٌ بِأَوَّلِ السُّورَةِ،
يَعْنِي: قُمْ نَذِيرًا، وَهُوَ مِنْ بَدَعِ التَّفَاسِيرِ».

تفسیر زمخشری ج ۴ / ۶۵۳.

باید مانند ضمایر آغاز سوره‌ها برخورد کرد

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ

قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ

بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

سوره انفال / ۱.

از تفسیر تائفا خورا (۱۵)

پیامبر رحمت علیک
مصدق حتمی این آیات

سلام اللہ ابدًا ما

پیامبر رحمت «آیه الله الکبری» است و برای بشر «نذیر»

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ

بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا

سوره سبأ/ ۲۸.

يَعْلَمُونَ﴾.

از تفسیرها ما خود را (۱۵)

اللیل حقیقت فراموش شده ای در این آیات

سلام الله ابدًا ما

قسم و ارتباط قسمها و جوابهای قسم

آیاتِ قسم با جواب آنها دارای ارتباط محکمی هستند؛ خواه ارتباط دهنده ظاهری دیگری میان این آیات وجود داشته باشد و خواه نداشته باشد. در این آیات نیز این ارتباط وجود دارد.

اللیل و همراهان، مصادیق «الکُبْر»

اللیل و همراهان اللیل در آیات اسرایی قسم

به اللیل، همه و همه، آیات کبرای

خداوند در تمام آفرینش هستند.

ارائه آیات کبرای خداوند به پیامبر در اسراء

آیات اسرایی قسم به اللیل، همگی به ماجرای
«اسراء پیامبر رحمت» ارتباط دارند و تنها هدف و یا
یکی از اهداف مسلم «اسراء»، «ارائه آیات کبرای
خداوند در تمام آفرینش» به پیامبر رحمت است.

گزاره دیگری نیز در راه است

يا الصبح ويا الليل مرجع ضمير

«ها» در ﴿إِنَّهَا لِأَحَدَى الْأَكْبَرِ﴾

هستند.

مرجع دیگری برای ضمیر «ها»

از میان این دو واژه، اللیل به صورت مؤنث نیز کار
برد دارد و برای «الصباح» چنین کاربردی وجود
ندارد. بنا بر این، ارجاع ضمیر به این واژه، سالمتر و
صحیح‌تر خواهد بود. یعنی: اللیل مرجع ضمیر «ها»
در ﴿إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبْرَى﴾ است.

ارجاعی سازگار با تمام ضوابط

به کار رفتن تعبیر «نذیر مذکر» برای «کُبر مؤنث»
با مذکر بودن اللیل و وجود قابلیت این ارجاع،
سازگاری بسیاری دارد و با این وجود، دیگر نیازی
نیست تا اول سوره به دنبال عامل این واژه گشت.

از تفسیر تائفا خورا (۱۵)

کوشش کمالی
کوثر ایہ کبریا کے خداوند

سلام اللہ ابدًا ما

نذیر و صفی برای «الکُبْر»

تمام آیات کبرای خداوند،
«نذیر» هستند نه تنها یک آیه از
آیات کبرای او.

افرادى از جنس بشر

«نذير» در كتاب خدا فقط براى افرادى از جنس بشر به كار رفته است كه داراى مسؤليت الهى هستند.

نذیری در کنار خاتم پیامبران

نذیر بودن در زمان حیات پیامبر رحمت و در کنار او و بعد از او، به او خلاصه نمی‌شود و افراد دیگری از جنس انسانها نیز هستند که خدای حکیم مقام «نذیر بودن برای بشر» را برای آنان اثبات کرده و مؤمنان را مکلف کرده است که در هر نشیست و برخاست و هر حرکت و سکونی، از آنان تبعیت داشته باشند.

آیات کبرای خداوند نذیر هستند

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ
الْقَمَرُ * وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ * وَكَذَّبُوا
وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ * وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ
الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُّزْدَجَرٌ * حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ﴾.

سوره قمر، ۱ تا ۵.

اجتماعی عظیم با پیامبر رحمت

خدای حکیم این افراد را به صورت ویژه‌ای، با پیامبرش در لفظ «الْکُبْر» جمع کرده و برای این جمع کردن، حتماً سنخیت لازم است. یعنی آنان باید افرادی باشند که در فضائلی این گونه ممتاز، با پیامبر رحمت جمع شوند.

معرفی آیات کبرای خدا با صدایی بلند

این افراد، «صادقان»، «اهل البیت»، «مطهرون»، «اولو الامر»، «حبل الله»، «ولی مؤمنان»، «مولای همگان»، «صراط مستقیم» و «آمران به قسط» هستند که در مسؤولیتها و در تعبیر از این مسؤولیتها در آیات بسیاری از کتاب خدا، با پیامبر رحمت جمع هستند.

باید البته توجه داشت که:

آیات: ﴿كَلَّا وَالْقَمَرَ * وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ * وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ * إِنَّهَا
لِإِحْدَى الْكُبْرَى﴾ قسمی برای مسؤولیت یکی از آنان و تنها
یکی از آنان است و نباید فراموش کرد که قسمها با
جوابهای قسمها در ارتباطی عمیق هستند.

رو نمایی از یکی از آیات کبری در اسراء

در «اسراء پیامبر رحمت» از این آیه کبرای
خداوند برای پیامبر رحمت رو نمایی شده
است؛ به ویژه آن که **با ضمیر مفرد مؤنث**
به این آیه کبری اشاره شده است.

تنها مصداق مؤنث این اجتماع

در میان افرادی که در زمان نزول «آیه تطهیر»
مشمول این آیه و مشمول تعبیر «مطهرون» می شدند،

تنها حضرت زهرا رضیه که سلام و صلوات
خدا بر او باد - از جنس مؤنث بود.

اگر ضمیرها به یک مؤنث حقیقی ارجاع داده شود

حضرت زهراى مرضیه، آن فردى است که خدا
قسمها یاد کرده که او از «آیات کبرای خداوند»
است؛ آیه کبرای که خدا در «اسراء پیامبر
رحمت» از او برای پیامبر رحمت رونمایی کرده و به
او «ارائه» و بلکه به او «اعطا»یش کرده است.

از تفسیرها ماثورا (۱۵)

درک حلاوت **دوروایت** در این خصوص

سلام الله ابداما

روایتی از قول حضرت امام باقر عليه السلام:

«... عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي

جَعْفَرٍ عليه السلام: قَوْلُهُ: ﴿إِنَّهَا لِأُحْدَى الْكُبَرِ*

نَذِيرًا لِلْبَشَرِ﴾ يَعْنِي مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

مختصر بصائر الدرجات ص ۱۷.

روایت دیگری از قول حضرت امام باقر علیه السلام:

«... عن أبي جعفر عليه السلام في قوله: ﴿إِنَّهَا

لَأُحْدَى الْكُبْرِ * نَذِيرًا لِلْبَشَرِ﴾، قَالَ:

يَعْنِي فَاطِمَةَ عليها السلام».

تفسیر قمی ج ۲ / ۳۹۶.

عدم تعارض این روایات با یکدیگر

این دو روایت، با یکدیگر تعارضی ندارد، به ویژه آن که هر دو آیه در این دو روایت ذکر شده و پیش از این دانسته شد که «الْكَبِيرُ» به تمام «آیات کبرای خداوند» اشاره دارد و پیامبر رحمت نیز سرسلسله و پیامبر تمام آیات کبرای خداوند است.

روایتی در کتاب کافی برای معرفی این حقایق

در جزء هشتم از کتاب شریف کافی - که روضه کافی است - روایتی از وجود مبارک حضرت امام صادق نقل است که بر اساس آن، «الشمس» وجود مبارک پیامبر رحمت و «القمر»، وجود مبارک امیر مؤمنان است. در این روایت، هم‌چنین خبر از آن داده شده است که لیل به امامان جور باز می‌گردد:

روایتی از وجود مبارک حضرت امام صادق علیه السلام

«... عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا﴾. قَالَ: الشَّمْسُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. بِهِ أَوْضَحَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلنَّاسِ دِينَهُمْ. قَالَ: قُلْتُ: ﴿وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَاهَا﴾؟ قَالَ: ذَاكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَلَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَفَثَهُ بِالْعِلْمِ نَفْثًا. قَالَ: قُلْتُ: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾ قَالَ: ذَاكَ أَيْمَةُ الْجَوْرِ الَّذِينَ اسْتَبَدُّوا بِالْأَمْرِ دُونَ آلِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجَلَسُوا مَجْلِسًا كَانَ آلُ الرَّسُولِ أَوْلَى بِهِ مِنْهُمْ،

روایتی از وجود مبارک حضرت امام صادق علیه السلام

فَغَسُوا دِينَ اللَّهِ بِالظُّلْمِ وَالْجَوْرِ، فَحَكَى اللَّهُ فِعْلَهُمْ، فَقَالَ: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾. قَالَ: قُلْتُ: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾؟ قَالَ: ذَلِكَ الْإِمَامُ مِنْ ذُرِّيَّةِ فَاطِمَةَ عليها السلام، يُسْأَلُ عَنْ دِينِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَيُجَلِّيه لِمَنْ سَأَلَهُ. فَحَكَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ قَوْلَهُ، فَقَالَ: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾.».

الكافي ج ١٨ / ٥٠.

تنها فرمایش در تفسیر اللیل

این تنها فرمایشی است که در تفسیر «اللیل» ها از

این طریق به دست رسیده است. بر اساس همین

تفسیر، به کار رفتن تعبیر ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾

برای امامان جور، یک کاربرد استعاره‌ای است.

کاربردی نه مانند دو کاربرد دیگر

در حالی که حضرت امام صادق _ آن گونه که در این فرمایش آمده _ به این مطلب تصریح کرده که مقصود از «الشمس» رسول خدا و مقصود از «القمر»، امیر مؤمنان است، به این مطلب تصریح نیز کرده که امامان جور با ظلم و جورشان بر «دین خدا» پوشش ایجاد می کنند نه بر «رسول خدا» و به کار رفتن «دین خدا» به جای «رسول خدا»، حتماً استعاره است.

کاربرد جمع برای لفظ مفرد، برهانی دیگر

از سویی دیگر، در حالی که «الشمس» برای رسول خدا به کار رفته و در حالی که «القمر» برای شخص امیر مؤمنان استعمال شده «اللیل» برای «امامان جور» به کار رفته است که دیگر یک نفر نیستند، بلکه گروهی عظیم هستند که شاید بتوان گفت که از حد شمارش هم بیرون است. این کاربرد نیز یک کاربرد حقیقی نیست.

وصف فعل امامان جور نه وصف خود آنان

هم چنین و همان گونه که عبارت: «فَحَكِيَ اللَّهُ فِعْلَهُمْ، فَقَالَ:

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾» نشان می دهد، آیه: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾

وصف فعل امامان جور است نه وصف خود آنان. بنا بر این، این

عبارت، برهانی بر این واقعیت است که این آیه شریفه، استعاره

از فعل امامان جور است نه از خود آنان.

باید این نکته را برای همیشه بحث در نظر داشت

به هر حال، با وجود این روایت، در این خصوص، **یا باید آیه:**

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾ را از مجموع آیاتی که در آنها به

«اللیل» قسم یاد شده، جدا دانست و به بررسی آیات شش

گانه دیگر در کتاب خدا پرداخت و یا باید با توجه به

این نکات، در این خصوص، بحث کرد.

از تفسیر تائفا خورا (۱۵)

عکس کوی

نذیر کے برای تمام ہر

نذیری برای تمام بشر

اولین دلالت این واقعیت که مقصود از

﴿إِنَّهَا لِأَحَدَى الْأَكْبَرِ * نَذِيرًا لِلْبَشَرِ﴾ حضرت

زهرای مرضیه است، این است که آن

حضرت برای تمام بشر نذیر است.

تنها بخشی از مقام آن حضرت

شاید این گونه باشد که این مقام، مقام بزرگی
برای آن حضرت به شمار می آید اما باید دانست
که این مقام، تنها بخشی از مقام آن حضرت است
که در این آیه به آن تصریح شده است.

گزارش این مقام به همین صورت برای پیامبر خدا

در آیات: ﴿إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبْرِ * نَذِيرًا لِلْبَشَرِ﴾،

این مقام به همین صورت برای پیامبر رحمت

گزارش شده است حال آن که پیامبر رحمت بر

تمام عالمیان به عنوان نذیر ارسال شده است.

نذیری برای تمام عالمیان

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ * تَبَارَكَ

الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ

لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا ﴿

سوره فرقان / ۱.

نذیری برای عالمیان، نذیری برای مردم

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا
وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾

سوره سبأ/ ۲۸.

گاهی به یک بخش از مسؤولیت تصریح شده است

این دو آیه، البته با یکدیگر تعارضی ندارد و بلکه با وجود نذیر بودن پیامبر رحمت برای عالمیان باید پذیرفت که در این آیه تنها به یک بخش از این مسؤولیت اشاره شده است.

کمترین حد نذیر بودن

از آن جا که ویژگی «نَذِيرًا لِلْبَشَرِ» برای تمام «آیات کبرای خداوند» به یک صورت گزارش شده باید پذیرفت که این ویژگی برای سایر آیات کبرای خداوند نیز کمترین حد «نذیر بودن» است.

از سید مرتضیٰ خاوری (۱۵)

اللیل حقیقتی که خدا باید تو صیقل دهد

سلام الله ابدًا ما

قسم به شب اسراء و زمان اسراء

از هفت قسم قرآنی به «اللیل»، در شش قسم آنها به زمان خاصی از آن شب معین، سوگند یاد شده است. این زمان در پنج آیه از آنها با «إذا» و در یک آیه با «إذ» مشخص شده است. در هفتمین قسم از این قسمها نیز «اللیل» با «إذا» محدود شده اما این محدودیت از راه واسطه قسم دیگری برای «اللیل»، ایجاد شده است.

قسمی که با اِذ مطرح شده است

از میان تمام قسمهای قرآنی به «اللیل»، تنها
در یک قسم با «اِذ» تعیین زمان شده و آن،
آیه: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا اُدْبَرَ﴾ است.

عظمتی که حدی ندارد

شاید بسیاری از آنان که برای اولین بار با این حقیقت روبرو می‌شوند، دلشان بخواهد که ای کاش در این قسم نیز با «اذا» تعیین زمان و شرایط می‌شد اما باید دانست که این آیه، با ترکیب موجود، عظمتی را برای «اللیل» تعریف کرده است که برای آن پایانی تصور نمی‌شود.

و او خودش این گونه خواسته است

﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ

وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّنْ

رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ

فَصَلَّنَاهُ تَفْصِيلًا﴾.

سوره اسراء/ ۱۲.

لیلی ویژه

با فرا رسیدن زمان نهار، زمان درخشش «آیه نهار» و
محو «آیه لیل» فرامی‌رسد و این در حالی است که
خدا به «اللیل» در زمانی قسم یاد می‌کند که زمان
خدا حافظی «اللیل» است.

خدا خودش باید اللیل را معرفی کند

علامت «توجه شود» بسیار بزرگی روی «اللیل» در این آیه
نهاده شده است تا محققان به دنبال مرجع مناسب
دیگری برای «ها» در ﴿إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبْرِ * نَذِيرًا لِلْبَشَرِ﴾
نگردند. و باز هم این به آن مفهوم است که خدای
حکیم خودش باید «اللیل» را معرفی کند.

مقتل حضرت على اصغر عليه السلام

ولما رأى الحسين عليه السلام مصارع فتيانه وأحبته عزم على لقاء القوم بمهجته ونادى هل من ذاب يذب عن حرم رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم هل من موحد يخاف الله فينا هل من مغيث يرجو الله بإغاثتنا هل من معين يرجو ما عند الله في إعانتنا فارتفعت أصوات النساء بالعويل

مقتل حضرت علي اصغر عليه السلام

فتقدم إلى باب الخيمة وقال لزينب : ناوليني ولدي الصغير حتى أودعه. فأخذه وأوماً إليه ليقبله فرماه حرملة بن الكاهل الأسدي (لع) بسهم فوق في نحره فذبحه فقال لزينب: خذيه ثم تلقى الدم بكفيه فلما امتلأتا رمى بالدم نحو السماء. ثم قال: هون على ما نزل بي إنه بعين الله. قال الباقر عليه السلام: فلم يسقط من ذلك الدم قطرة إلى الأرض.

دیدنت در همهٔ راه معما شده است

تو کجا کجا نیزه کجا وای چه با ما شده است؟

دیدنت سخت ولی سخت تر از آن، این است

باز هم حرمله سرگرم تماشا شده است

باورم نیست که بالای سرم می خندی

دل من سوخته تر از دل لیلیا شده است

ساربانانی که نگین پدرت را دارد

چند روزی است در این قافله پیدا شده است

حجم تیری که علمدار زمین گیرش شد

باورم نیست که در حنجره ات جا شده است

کاش آرام رود قافله تا راه روی

بعد من نوبت لالایی زهرا شده است

کاش آرام رود تا که نیفتی ازنی

ولی افسوس سررأس تو دعوا شده است

نیزه داری که تو را می برد این را می گفت

باز هم زخم گلوی پسرت وا شده است

حسن لطفی

الحمد لله
السلام على من
آلينا

الْبِرُّ طَائِفَةٌ مِمَّا قَبِلْتُمْ كَلِمَةٌ



لَوْ كُنَّا نَعْلَمُ عِلْمَ الْفِتَنِ

بِأَسْمَاءِ





برای دریافت فایل‌های صوت، متن و
پاورپوینت مربوط به مباحث مطرح شده
در این شبها می‌توانید به پایگاه اینترنتی

www.sadeqifard.com

مراجعه کنید.